



## Principles of Public Economic Law within the Framework of Iranian Law, International Documents and Imami Jurisprudence

Ahmad Etemad<sup>1</sup>, Jaber Ghasemi<sup>2\*</sup>, Reza Ziraei<sup>3</sup>

1. Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.
2. Department of Political Science, Payame Noor University, Tehran, Iran.
3. Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 227-240

Article history:

Received: 03 Jun 2025

Edition: 26 Jun 2025

Accepted: 14 Sep 2025

Published online: 22 Dec 2025

### Keywords:

The principle of Protection of Private Property; the Principle of Proportionality; the Principle of Freedom of Trade; the Principle of equality; the Principle of Free Competition.

### Corresponding Author:

Jaber Ghasemi

### Address:

Iran, Tehran, Payame Noor University, Department of Political Science.

### Orchid Code:

0009-0008-6662-5667

### Tel:

09177771743

### Email:

drjghasemi2022@pnu.ac.ir

### ABSTRACT

**Background and Aims:** Today, the global economic chain has connected the domestic economies of countries to each other; this connection explains the necessity of convergence and alignment in economic systems. The purpose of the present study is to explain the principles of public economic law in Iranian law, international documents, and Imami jurisprudence.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles. **Ethical**

**Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Findings:** Protection of private property, proportionality, freedom of trade, equality, and competition are among the principles of public economic law that have been mentioned within the framework of Iranian law, international documents, and Imami jurisprudence.

**Conclusion:** The principles of general economic law differ in terms of scope, examples, and definitions in the Iranian legal environment, international documents, and Imami jurisprudence; but this difference does not constitute a conflict. Convergence between Iranian law and international documents, relying on new jurisprudential developments through the redefinition of the aforementioned principles, is possible and necessary for the promotion and economic development of Iran.

### Cite this article as:

Etemad, A; Ghasemi, J; Ziraei, R. *Principles of Public Economic Law within the Framework of Iranian Law, International Documents and Imami Jurisprudence*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

### اصول حقوق عمومی اقتصادی در چارچوب حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و فقه امامیه

احمد اعتماد<sup>۱</sup>، جابر قاسمی<sup>۲\*</sup>، رضا زیرائی<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** امروزه زنجیره اقتصاد در سطح جهانی، اقتصاد داخلی کشورها را به یکدیگر متصل نموده است؛ این اتصال ضرورت همگرایی و همسویی را در نظام‌های اقتصادی تبیین می‌کند. هدف از پژوهش حاضر تبیین اصول حقوق عمومی اقتصادی در حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و فقه امامیه می‌باشد.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** حمایت از مالکیت خصوصی، تناسب، آزادی تجارت، برابری و رقابت از جمله اصول حقوق عمومی اقتصادی می‌باشد که در چارچوب حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و فقه امامیه مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**نتیجه:** اصول حقوق عمومی اقتصادی از حیث قلمرو، مصادیق و تعاریف در فضای حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و فقه امامیه متفاوت می‌باشند؛ اما این تفاوت در قامت تعارض نیست. همگرایی میان حقوق ایران و اسناد بین‌المللی با تکیه بر تحولات جدید فقهی از طریق بازتعریف اصول مزبور، امری ممکن‌الحصول و ضروری در جهت ارتقاء و توسعه اقتصادی ایران می‌باشد.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۷-۲۴۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

#### واژگان کلیدی:

اصل حمایت از مالکیت خصوصی؛ اصل تناسب؛ اصل آزادی تجارت؛ اصل برابری؛ اصل رقابت آزاد.

#### نویسنده مسئول:

جابر قاسمی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه علوم سیاسی.

تلفن:

09177771743

کد ارکید:

0009-0008-6662-5667

پست الکترونیک:

drjghasemi2022@pnu.ac.ir

**۱. مقدمه**

طریق بازتعریف اصول مزبور، امری ممکن‌الحصول و ضروری در جهت ارتقاء و توسعه اقتصادی ایران می‌باشد. در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر باید خاطر نشان ساخت که در ارتباط با اصول حقوق عمومی اقتصادی، پژوهش‌های بسیار معدودی انجام شده است که هیچ‌کدام از آن‌ها رویکرد اسناد بین‌المللی و فقه امامیه را مدنظر قرار نداده‌اند. اما پژوهش حاضر این دو متغیر را در تبیین موضوعات مورد توجه اصلی قرار داده است که همین موضوع جنبه نوآوری و جدید بودن پژوهش را نشان می‌دهد. در همین راستا می‌توان به مقاله بیدار و عبدی‌پور تحت عنوان «تأملی بر قلمرو و اهداف اصول حقوق عمومی اقتصادی در پرتو آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری» اشاره داشت. در این پژوهش نویسندگان، به تحلیل رویکرد آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مواجهه با اصول حقوق عمومی اقتصادی پرداخته‌اند. از نظر نویسندگان، اصول حقوق عمومی اقتصادی به عنوان مبنای اصلی و مستندِ ابطال مقررات دولتی محسوب می‌شوند.

**۲. مواد و روش‌ها**

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

**۳. ملاحظات اخلاقی**

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**۴. یافته‌ها**

یافته‌ها حاکی از آن است که حمایت از مالکیت خصوصی، تناسب، آزادی تجارت، برابری و رقابت از جمله اصول حقوق عمومی اقتصادی می‌باشد

عالم حقوق در ارتباط با اقتصاد به دو قلمرو اصلی تقسیم می‌گردد: حقوق عمومی اقتصادی و حقوق خصوصی اقتصادی؛ در قلمرو حقوق عمومی اقتصادی، دولت و مداخله آن در اقتصاد به عنوان محور اصلی مباحث مطرح می‌باشد. به تعبیری، اصلی‌ترین موضوع در حقوق عمومی اقتصادی، دولت می‌باشد. از طرف دیگر، تفاوت نظام‌های اقتصادی اصلی در همین نکته یعنی مداخله و نحوه مداخله دولت در اقتصاد است. در عرصه حقوق بین‌الملل نیز از زمان صلح وستفاليا تا به امروز، نهاد دولت نقش اصلی و تعیین کننده را بر عهده داشته است. از همان ابتدای تشکیل سازمان ملل متحد و شکل‌گیری نظم جدید در عرصه روابط بین‌المللی، اقتصاد و مسائل مالی-تجاری یکی از محورهای اصلی نظام جدید محسوب می‌شود. با این اوصاف، در هر نظام حقوقی، اقتصادی، سیاسی و ... مجموعه‌ای از اصول مبنایی وجود دارد که سنگ‌بنای قواعد و هنجارهای جزئی را تشکیل می‌دهد. در نتیجه این اصول دورنمای یک نظام اقتصادی و نیز مسیر حرکت آینده آن را نشان می‌دهد. پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که، اصول حقوق عمومی اقتصادی در حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و فقه امامیه تا چه اندازه نسبت به یکدیگر دارای همگرایی می‌باشند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که، اصول حقوق عمومی اقتصادی از حیث قلمرو، مصادیق و تعاریف در فضای حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و فقه امامیه متفاوت می‌باشند؛ اما این تفاوت در قامت تعارض نیست. همگرایی میان حقوق ایران و اسناد بین‌المللی با تکیه بر تحولات جدید فقهی از

که در چارچوب حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و فقه امامیه مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

## ۵. بحث

در این قسمت ابتدا مفهوم حقوق عمومی اقتصادی و سپس به تفکیک، اصول حقوق عمومی اقتصادی در چارچوب فقه امامیه، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی تبیین می‌گردد.

### ۵-۱. حقوق عمومی اقتصادی

حقوق عمومی اقتصادی، مجموعه‌ای از قواعد و مقررات حقوقی است که به تنظیم روابط اقتصادی در سطح کلان و با رویکرد دولتی می‌پردازد. این حوزه از حقوق، به چگونگی و حدود دخالت دولت در اقتصاد و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد. به عبارت دیگر، حقوق عمومی اقتصادی، جنبه‌های حقوقی مربوط به سیاست‌های اقتصادی دولت و سازوکارهای نظارتی و کنترلی آن را در بر می‌گیرد (فورت، ۲۰۱۰، ۱۷-۱۸). به طور خلاصه، حقوق عمومی اقتصادی شامل موارد زیر است: الف. موضوعات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی دولت (این بخش به چگونگی فعالیت‌های اقتصادی دولت، از جمله نحوه مداخله، سرمایه‌گذاری، و ارائه خدمات عمومی می‌پردازد) ب. نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی (این بخش شامل قوانین و مقرراتی است که دولت برای نظارت بر فعالیت‌های بخش خصوصی و اطمینان از رقابت سالم و عادلانه وضع می‌کند)؛ ج. حمایت از مصرف‌کننده (این بخش به قوانین و مقرراتی اشاره دارد که برای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در مقابل تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات وضع می‌شود)؛ د. مقررات مربوط به محیط زیست (این بخش به قوانین و مقرراتی اشاره دارد که برای حفاظت از محیط

زیست در فعالیت‌های اقتصادی وضع می‌شود). ه. قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری (این بخش شامل قوانین و مقرراتی است که برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی و همچنین تنظیم روابط سرمایه‌گذاران با دولت وضع می‌شود). (چوکرون و ندومپارا، ۲۰۲۲، ۷۲۸-۷۲۹).

به طور کلی، حقوق عمومی اقتصادی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: الف. حقوق مالی عمومی (این بخش شامل قوانین و مقررات مربوط به بودجه، مالیات، و سایر منابع درآمدی دولت است)؛ ب. حقوق اقتصادی محض (این بخش شامل قوانین و مقرراتی است که به طور مستقیم به تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و روابط اقتصادی میان دولت و بخش خصوصی می‌پردازد). در واقع، حقوق عمومی اقتصادی به عنوان یک ابزار برای تحقق اهداف اقتصادی دولت و ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و کارآمد عمل می‌کند (هردجن، ۲۰۱۳، ۱۳-۱۴).

### ۵-۲. اصل حمایت از مالکیت خصوصی

فقه‌های مسلمان صفت مطلق بودن مالکیت را پذیرفته‌اند و ضمن قاعده تسلط از آن بحث می‌کنند. منتهای مراتب از آنجا که مالکیت در اسلام شدیداً تحت تأثیر تعلیمات اخلاقی و مذهبی است، باید اذعان کرد مالکیت اصیل در اسلام هیچ‌گاه خشونت حقوق روم را نداشته است (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ۱۰۳) و اطلاق آن همیشه مقید به اصول اخلاقی و شرعی بوده است. یکی از فقه‌های معاصر در همین راستا می‌گوید: «هیچ دلیلی بر جواز تصرف انسان در مالش به صورت دلبخواهی (خلاف شرع و عقل) نداریم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ۲۴۶) و برخی نیز بیان داشته‌اند باید اذعان کرد اگر در احکام اسلامی رنگی از سرمایه‌داری محض به چشم می‌خورد، اصلتی

ندارد و ناشی از تأثیرپذیری برخی از فقها از محیط خود است و تفسیری اجتماعی از موضوعات دارند (طالقانی، ۱۳۴۴، ۱۲۹ و ۲۵۸). به هر حال در فقه هم تحول دیدگاه نسبت به قاعده تسلط ملاحظه می‌شود. به طوری که فقهای معاصر نسبت به این قاعده با احتیاط برخورد می‌کنند و امروز انواع و اقسام تزییقات و دخالت حکومت در مالکیت خصوصی افراد را می‌پذیرند. لازم به تاکید است در فقه از همان ابتدا قاعده لاضرر وجود داشته و حاکم بر تسلط بوده و از این نظر بر حقوق مغرب زمین فضل تقدم دارد (سیستانی، ۱۴۱۴، ۳۲۶).

در چارچوب حقوق ایران، حق مالکیت عالی‌ترین درجه از حق عینی می‌باشد. این حق چه در قالب یکی از مصادیق حقوق مالی و چه به صورت مستقیم مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. حق مالکیت یکی از مصادیق حقوق بنیادین می‌باشد که اساس مفهوم تجارت و اقتصاد را تشکیل می‌دهد (ویژه، ۱۳۸۹، ۴۴۴). به تعبیری، مهم‌ترین و اساسی‌ترین پیش‌نیاز فعالیت اقتصادی بخش خصوصی، حق مالکیت فردی است. چنانچه مالکیت فردی مورد شناسایی و حمایت قانون‌گذار نباشد، عملاً مبادلات تجاری و اقتصادی موضوعیتی ندارد و به طریق اولی، حقوق عمومی اقتصادی معنای خود را از دست می‌دهد (آگاه، ۱۳۹۱، ۴). مفهوم مالکیت به عنوان یکی از مصادیق اموال در قالب اصل ۲۲ قانون اساسی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. در چارچوب اصل مزبور، «حقوق اشخاص (اعم از مالکیت) از تعرض مصون است.» همچنین ذیل اصول ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی نیز حق مالکیت فردی اشخاص مورد توجه قرار گرفته است. اصل ۴۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هر کس مالک

حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.» همچنین اصل ۴۷ نیز در راستای شناسایی معیار «مشروعیت» در حقوق اموال مقرر می‌دارد: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.» اما رویکرد حقوق ایران به اصل مالکیت از طریق اصول مزبور قابل احراز نمی‌باشد. ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی ایران به سه بخش اصلی یعنی دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم شده است. در بخش دولتی تمام صنایع سنگین، بازرگانی خارجی و ... قرار دارد. بخش تعاونی و بخش خصوصی در قامت کمک‌کننده به بخش دولتی مورد شناسایی قرار گرفته است. با در نظر گرفتن مفاد اصل ۴۴، نقش دولت در فضای اقتصاد یک نقش مداخله‌گر محسوب می‌شود. پس از گذشت سال‌ها و نمایان شدن نقاط ضعف اقتصاد دولتی، سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ ابلاغ شد و به تبع آن قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به تصویب رسید. هدف این سیاست‌ها فاصله‌گرفت از اقتصاد دولتی و نزدیک شدن به اقتصاد خصوصی بود؛ اما در عمل به واسطه مدیریت ضعیف در فضای اجرا، تحقق اهداف این امر با کندی مواجه شده است. به تعبیری، علی‌رغم حرکت نظام قانونی به سمت اقتصاد خصوصی، از نظر اجرایی، در نظام اقتصادی ایران کماکان دولت نقش اصلی را ایفا می‌کند.

در چارچوب اسناد بین‌المللی، حق مالکیت به علت اختلافات زیادی که میان کشورهای سوسیالیستی، کمونیستی و سرمایه‌داری وجود دارد، در اسناد لازم‌الاجرا و به صورت دقیق مورد اشاره قرار نگرفته است. در سال ۱۹۴۸ ذیل ماده

۵۶). از این رو، اطاعت از کسانی که خداوند انسان را به اطاعت از آنان فرمان داده است مانند رسول او و صاحبان امر که در آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (سوره نسا، آیه ۵۹)، امر به اطاعت از ایشان کرده واجب است. فلذا همان‌گونه که اصل در انسان‌ها نسبت به یکدیگر، حریت است، نسبت به خداوند متعال، عبودیت و بندگی است. آزادی از حقوقی نیست که در ابتدا بتوان به دیگری داد یا از وی ستاند، جز در موارد خاصی مانند به بردگی گرفتن اسیران جنگی با شرایط خاص و یا آزاد کردن برده از سوی مولا. بلکه تحقق آزادی انسان‌ها، نیازمند چارچوب و ضوابطی است که از افراط و تفریط جلوگیری کند و گرنه، به هرج و مرج و استبداد و دیکتاتوری و در نتیجه سلب آزادی افراد منجر می‌شود. اسلام با تشریح امر به معروف و نهی از منکر و تحت عناوین «معروف» و «منکر» چارچوب آزادی را تعیین نموده است؛ یعنی انسان‌ها در حکومت و نظام اسلامی، تنها؛ در چارچوب «معروف» می‌توانند در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فعالیت کنند و باید از انجام هر فعالیتی که عنوان «منکر» بر آن صادق است، بپرهیزند (بیرانوند و داستان‌پور حسین‌آبادی، ۱۴۰۳، ۳۸-۳۹). در نتیجه، آدمی بر اساس اصل حریت، در انواع تجارت‌های داخلی و خارجی با این شرط که کسب حلال کند و به دور از اجحاف، اضرار، احتکار و معاملات ربوی باشد، آزاد است. در اسلام، فرد مالک آنچه از راه مشروع کسب کرده است، می‌باشد؛ هر چند بر اساس ضوابطی باید خمس، زکات، و خراج آن را بپردازد. بنابراین، دولت اسلامی حق جلوگیری از تجارت‌های مشروع داخلی و خارجی و نیز مصادره اموال مشروع منقول و غیر منقول مردم را ندارد.

۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، به صورت کلی، با عبارات ذیل مورد شناسایی قرار گرفته است: «هر انسانی به تنهایی یا با شراکت دیگران حق مالکیت دارد؛ هیچ‌کس را نمی‌بایست خودسرانه از حق مالکیت خویش محروم کرد.» پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، مفاد اعلامیه مزبور پس از گذشت تقریباً دو دهه در قالب دو میثاق تحت عناوین، میثاق حقوق مدنی-سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسید. تفاوت میثاق‌ها و اعلامیه در قالب الزام‌آور میثاق‌ها و قالب غیرالزام‌آور اعلامیه بود. اما نکته جالب توجه این است که حق مالکیت در هیچ‌کدام از میثاق‌های مزبور مورد اشاره قرار نگرفت. که علت این امر اختلاف نظر عمیق میان بلوک شرق و غرب در آن زمان بود (بیرانوند، ۱۴۰۲، ۱۱۲). در نتیجه، شناسایی حق مالکیت در حال حاضر در چارچوب اسناد بین‌المللی، صرفاً به صورت کلی مورد پذیرش قرار گرفته است و هیچ‌گونه رویکردی در ارتباط با نقش دولت نسبت به آن وجود ندارد.

### ۵-۳. اصل آزادی تجارت

اصل آزادی تجارت در فقه اسلامی به شکل امروزی وجود ندارد؛ بلکه این اصل را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق و جزئیات اصل حریت قلمداد نمود. از اصول و قواعد معروف فقهی، اصل حریت و آزاد بودن انسان‌ها در برابر یکدیگر است؛ یعنی هیچ انسانی از پیش خود بر دیگری ولایت و سلطنت ندارد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نامه ۳۱ از نهج‌البلاغه می‌فرماید: «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد قرار داده است.» قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (جن و انس را جز برای آن که مرا پرستند، نیافریده‌ام) (سوره ذاریات، آیه

اصل آزادی تجارت در اصل ۲۸ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره قرار گرفته است. مطابق با اصل مزبور: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» همان‌طور که مشاهده می‌گردد، علی‌رغم این‌که آزادی در صدر اصل ۲۸ مورد پذیرش قرار گرفته است اما در ادامه سه محدودیت برای آن مورد اشاره قرار گرفته است: عدم مخالفت با اسلام؛ عدم مخالفت با مصالح عمومی؛ عدم مخالفت با حقوق دیگران. با توجه به این‌که، اقتصاد ایران به سه بخش تقسیم شده است و بخش دولتی قسمت اصلی آن را مطابق با اصل ۴۴ تشکیل داده است؛ بدیهی است که اصل آزادی تجارت نیز تحت تأثیر همین امر، رنگ و بوی دولتی به خود گرفته است. به همین جهت است که برای اشتغال به هر شغلی نیاز به اخذ مجوز کسب و کار (با نظارت مستقیم دولت) می‌باشد. البته تقریباً در تمام کشورها برای اشتغال نیاز به اخذ مجوز کسب و کار است؛ اما تفاوت در مرجع اخذ مجوز و میزان مداخله دولت در آن می‌باشد (البرزی و همکاران، ۱۴۰۱، ۸۷-۸۸).

پس از تأسیس سازمان ملل متحد، اصل آزادی تجارت به عنوان یکی از پایه‌های نظم نوین جهانی و در راستای اصل ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفت. این اصل سنگ‌بنای تأسیس نهادها و سازمان‌های مختلف بین‌المللی از جمله موافقت‌نامه گات، سازمان تجارت جهانی، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل، شد. نهادها و بازیگران بین‌المللی هر کدام در جهت توسعه یکی از جنبه‌های اصل آزادی تجارت حرکت نمودند.

اصلی‌ترین جنبه‌های آزادی تجارت در فضای اسناد بین‌المللی عبارت بودند از: آزادی انتخاب حرفه، آزادی معاملات، آزادی قیمت‌گذاری کالا و خدمات، مدیریت آزاد بنگاه‌های تجاری، و ... در عرصه بین‌المللی، بازیگران دولتی و غیردولتی در قالب‌های تقریباً مستقل به توسعه اصل آزادی تجارت و فروع آن پرداختند (هردجن، ۲۰۲۴، ۱۰۲). برای مثال همان‌طور که دولت‌ها اقدام به تأسیس سازمان تجارت جهانی نموده بودند، تجار نیز در قالب اتاق بازرگانی بین‌المللی اقدام به توسعه و گسترش اصل آزادی تجارت کردند. با توجه به این‌که تعداد دولت‌های طرفدار آزادی تجارت و کمرنگ نمودن نقش دولت در فضای اقتصاد بسیار بیشتر بود، رویکرد کلی سازمان‌ها و نهاد بین‌المللی به سوی حذف دولت از چرخه تصدی‌گری و حرکت به سوی ایجاد نقش نظارتی برای دولت شد. همین امر باعث شد که کشورهایمانند چین که از نظر سیاسی نظام‌های سرمایه‌داری و بازار آزاد را قبول نداشتند، از طریق بازنگری در سیاست‌های اقتصادی، به سوی بازار آزاد و در راستای اصل آزادی تجارت حرکت کنند.

#### ۵-۴. اصل برابری

تأکید بر برابری انسان‌ها با یکدیگر پیشینه‌ای طولانی دارد، ولی در چند قرن گذشته، بویژه بعد از انقلاب فرانسه و دوره روشنگری، این اندیشه به نیروی عمده برای تغییرات اساسی در حقوق عمومی و سیاسی در اروپا و شمال امریکا تبدیل شده و بتدریج بر کشورهای غیر اروپایی نیز اثر گذاشته است. در دهه‌های اخیر، مجامع بین‌المللی، به منظور تأکید بر برابری انسان‌ها با قطع نظر از نژاد، رنگ، طبقه اجتماعی، مذهب، ثروت،

مقام، جنس و جز اینها، چندین مقوله نامه و اعلامیه، تصویب کرده‌اند (مدنی، ۱۳۹۷، ۳۹-۴۰).

در قرآن، حدیث، فقه و آرای دانشمندان مسلمان، نکاتی از جنبه های نظری درباره برابری و نیز مواردی از احکام فقهی ناظر به اندیشه برابری دیده می‌شود. یکی از آیاتی که در این باره جلب توجه می‌کند، آیه ۱۳ سوره حجرات است که به نص آن، تفاوت‌های ظاهری و طبیعی بین انسان‌ها، چه از نظر جنس و چه از نظر نسبت‌های خانوادگی، قبیله‌ای و نژادی، واقعیتی طبیعی است و کارکرد آن فقط کمک به شناسایی افراد است (وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا: و شما را جماعتها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید).

لذا این اختلافات نه همسانی جوهری انسان‌ها را نفی می‌کند و نه می‌تواند ملاک ارزشگذاری، از جنبه‌های اخلاقی، فقهی و حقوقی باشد. به گفته مفسران، این آیه، بویژه بر نکوهش فخر فروشی و برتری طلبی طبقاتی، نژادی و نسبی تأکید کرده است. (طبرسی، ۱۴۱۹، ۱۱۲-۱۱۳) روایاتی نیز که از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در توضیح مراد این آیه یا به صورت مطلق نقل کرده‌اند همین نگرش را افاده می‌کند؛ از آن جمله است خطبه مشهور آن حضرت در حَجَّة الوداع در مِنی (إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، وَادَمٌ مِنْ تَرَابٍ، لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى) (حرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ۳۰) و نیز این جمله که همه مردم از دورترین زمان تاکنون، همچون دندان‌های یک شانه با یکدیگر برابرند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ۳۷۹) همچنین است تأکیدی که حضرت علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر بر همسانی انسان‌ها از نظر آفرینش داشته‌اند. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) بنابر برخی احادیث، تشریح احکامی مانند قصاص و عبادات اجتماعی چون حجّ از

همین نگرش درباره برابری حقیقی انسان‌ها برخاسته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ۳۸۸). مؤلفان و متفکران مسلمانی که در دهه‌های اخیر از برابری در اسلام بحث کرده‌اند، به این نکته توجه داده‌اند که وجود اصول اساسی و مهمی چون توحید در عبودیت، (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۱۳۶۴) انتساب همه انسان‌ها به یک منشأ (ذیل آیه ۶ از سوره زمر، آیه ۱ از سوره نساء، آیه ۱۸۹ از سوره اعراف) و مخلوق بودن همه آن‌ها به دست یک آفریدگار (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۱۳۶۶) که علاوه بر قرآن در حدیث (از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم: إِنِّي وَجَدْتُ أَصْلَ الْخَلْقِ التُّرَابِ... خَلَقَهُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ) بارها مطرح شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ۱۷۰)، و نیز «تکریم انسان‌ها» (آیه ۷۰ از سوره اسراء) که همگانی است، (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ۱۵۵) مقتضی برابری همه انسان‌ها در برخورداری از زیر بنایی ترین حقوق فردی و جمعی، مانند حق حیات، امنیت مالی و جانی، حق تملک و تصرف و اکتساب، حق کار و استحقاق اجرت و سایر حقوق و آزادی‌های اساسی از دیدگاه اسلام است (سبحانی، ۱۳۶۴، ج ۲، ۴۱۰). بند ۹ از اصل سوم قانون اساسی بیان می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور ذیل به کار برد: ... ۹. رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی». همچنین بند ۱۴ از همین اصل به تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و تساوی عموم در برابر قانون اشاره می‌دارد.

اصل برابری یا به تعبیری عدم تبعیض در نظام حقوق بشر بین‌المللی یکی از اصول بنیادین محسوب می‌گردد. این اصل در اعلامیه جهانی

مقام، جنس و جز اینها، چندین مقوله نامه و اعلامیه، تصویب کرده‌اند (مدنی، ۱۳۹۷، ۳۹-۴۰).

در قرآن، حدیث، فقه و آرای دانشمندان مسلمان، نکاتی از جنبه های نظری درباره برابری و نیز مواردی از احکام فقهی ناظر به اندیشه برابری دیده می‌شود. یکی از آیاتی که در این باره جلب توجه می‌کند، آیه ۱۳ سوره حجرات است که به نص آن، تفاوت‌های ظاهری و طبیعی بین انسان‌ها، چه از نظر جنس و چه از نظر نسبت‌های خانوادگی، قبیله‌ای و نژادی، واقعیتی طبیعی است و کارکرد آن فقط کمک به شناسایی افراد است (وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا: و شما را جماعتها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید).

لذا این اختلافات نه همسانی جوهری انسان‌ها را نفی می‌کند و نه می‌تواند ملاک ارزشگذاری، از جنبه‌های اخلاقی، فقهی و حقوقی باشد. به گفته مفسران، این آیه، بویژه بر نکوهش فخر فروشی و برتری طلبی طبقاتی، نژادی و نسبی تأکید کرده است. (طبرسی، ۱۴۱۹، ۱۱۲-۱۱۳) روایاتی نیز که از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در توضیح مراد این آیه یا به صورت مطلق نقل کرده‌اند همین نگرش را افاده می‌کند؛ از آن جمله است خطبه مشهور آن حضرت در حَجَّة الوداع در مِنی (إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، وَادَمٌ مِنْ تَرَابٍ، لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى) (حرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ۳۰) و نیز این جمله که همه مردم از دورترین زمان تاکنون، همچون دندان‌های یک شانه با یکدیگر برابرند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ۳۷۹) همچنین است تأکیدی که حضرت علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر بر همسانی انسان‌ها از نظر آفرینش داشته‌اند. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) بنابر برخی احادیث، تشریح احکامی مانند قصاص و عبادات اجتماعی چون حجّ از

## ۵-۵. اصل رقابت

رقابت به حالتی گفته می‌شود که در آن تعدادی خریدار و فروشنده مستقل برای به دست آوردن یا فروختن کالاها و یا خدمات مشابه در راستای کسب منافع بیشتر تلاش می‌کنند (بیرانوند، ۱۳۹۹، ۳). رقابت در فضای اقتصاد نه یک هدف بلکه ابزاری برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌باشد. اصل رقابت آزاد باعث می‌گردد که فعالان عرصه تولید و توزیع به صورت دائمی در فکر حفظ بقا باشند و به همین دلیل ایده‌های مختلفی را ارائه کنند و در نتیجه این اصل موجب ایجاد تنوع در بازار می‌شود (فرو، ۲۰۱۹، ۹-۱۰). در جهان امروز، پدیده «رقابت» به‌عنوان یک پدیده ذاتی در فعالیت‌های مالی و بازرگانی به ظهور رسیده است و به‌موازات توسعه و رشد اقتصادی در جهت دستیابی به برتری‌های مدنی در چالش‌های زندگی بشر قرار گرفته است. ریشه رقابت، نفع شخصی و تضاد منافع فرد با دیگران است. با توجه به دیدگاه اسلام درباره نفع شخصی و اینکه آن‌را به‌گونه‌ای جهت می‌دهد که در راستای منافع مشروع دیگران باشد، نه در تضاد با آنها، معلوم می‌شود؛ که در اسلام "رقابت" به‌معنای مراقبت از یکدیگر و پیشی گرفتن از هم، در جلب منافع مادی خویش را نفی می‌کند. از طرف دیگر، رقابت با اخلاق، ناسازگار است و فساد را حاکم می‌کند و آثار سوء اقتصادی و اجتماعی دیگری دارد که اسلام درصدد نفی آن آثار ناپسند و مبارزه با ریشه این‌گونه مفاسد است. بنابراین، از نظر اسلام، رقابت و چشم و هم‌چشمی پذیرفته نیست (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ۱۴۹) اما رقابت به‌معنای "مسابقه برای کسب درآمد" در چارچوب قواعد اخلاقی و حقوقی اسلام پذیرفته می‌شود. این چارچوب‌ها همچون فیلتری

حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد شناسایی و تصریح قرار گرفته است. اصل مزبور دارای جنبه‌های مختلفی از جمله عدم تبعیض براساس جنس، مذهب، نژاد، رنگ و ... است. اصل برابری یا عدم تبعیض در چارچوب حقوق بشر بین‌المللی به‌عنوان یک اصل عدول‌ناپذیر مورد شناسایی قرار گرفته است. مقصود از عدول‌ناپذیری این است که اصل مزبور در هیچ شرایطی (ولو موارد وجود اسباب موجهه و رافع مسئولیت) قابلیت کنار گذاشته شدن را ندارد. به تعبیری این اصل دارای وصف آمره می‌باشد (اخوان فرد و بیرانوند، ۱۳۹۲، ۱۲-۱۳).

این اصل در حقوق بین‌الملل اقتصادی چهره ویژه‌ای پیدا کرد و تحت عنوان شرط ملت‌های کامله الوداد ظاهر شد. به‌موجب اصل دولت کامله‌الوداد، هرگونه امتیاز، برتری و مصونیت اعطا شده از طرف یکی از اعضا به عضو دیگر، بدون قید و شرط به سایر طرف‌های متعاقد تعمیم داده می‌شود. یعنی بر طبق این اصل، اعضای سازمان تجارت جهانی معمولاً نمی‌توانند بین طرف‌های تجاری خویش تبعیض قائل شوند. طبق این اصل اعطای یک امتیاز، به یک کشور (مانند کم کردن نرخ حقوق و عوارض گمرکی برای یکی از محصولات) باعث می‌شود که به اجبار همین رفتار نیز با سایر اعضای سازمان تجارت جهانی اتخاذ گردد. به‌عبارت دیگر بر طبق کامله‌الوداد هر عضو سازمان تجارت جهانی، با اعضای دیگر، به‌عنوان طرف‌های تجاری رفتار مساوی دارد. در واقع این اصل اطمینان می‌دهد که هر کشور باید با تمام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی رفتار یکسان داشته باشد (وانگ، ۲۰۲۲، ۴).

رقابت را از اثرهای سوء آن پاکسازی کرده و در جهت اهداف نظام اقتصادی اسلام قرار می‌دهند. (میرمعزی، ۱۳۸۷، ۴۶) در تعالیم اسلام، در ارتباط با اصل رقابت دو قاعده بسیار مهم وجود دارد که عبارتند از: قاعده لاضرر و قاعده ممنوعیت اکل مال به باطل. رویکرد فقه به اصل رقابت یک رویکرد نفی‌ای یا به تعبیری تعیین محدودیت‌ها می‌باشد. به بیان ساده‌تر، در نظرات فقها و اندیشمندان مسلمان در ارتباط با دستورات و راهکارهای ترویج اصل رقابت حکمی بیان نشده است، اما در ارتباط با محدودیت‌ها و مرزهایی که در راستای رقابت باید رعایت شوند، دو قاعده مزبور ارائه شده است.

در حقوق ایران، تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، مفهوم رقابت به صورت بسیار محدود و پراکنده در برخی قوانین به کار گرفته شده بود. با توجه به ایجاد جریان ملی کردن قبل از انقلاب و ادامه آن پس از انقلاب، بخش اصلی اقتصاد ایران در دست دولت قرار داشت و مفهوم اصل رقابت جایگاه قابل توجهی در مجموعه قوانین نداشت. این روند تا برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ادامه داشت. در این قانون و در فصل چهارم مقرر شده بود که انحصارات قانونی اعطا شده ظرف یکسال لغو و دولت اقدامات لازم را برای جلوگیری از فعالیت‌های انحصارگرایانه انجام دهد. اما تا پایان برنامه چهارم به علت مغایرت‌هایی که شورای نگهبان بر قوانین موضوعه برای انحصارزدایی اعلام کرده بود فضا برای ورود بخش خصوصی در بیشتر بخش‌های اقتصادی فراهم نگردید. این روند تا ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر کوچک شدن دولت و تقویت بخش خصوصی و خروج دولت از فعالیت‌های اقتصادی

غیرضروری ادامه داشت. با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، برای اولین بار اصل رقابت مورد شناسایی قرار گرفت. فصل نهم از قانون مزبور در خصوص تسهیل رقابت و منع انحصار مواردی را پیش‌بینی نموده است. ذیل بند ۱۱ از ماده ۱ این قانون رقابت چنین تعریف شده است: «وضعیتی در بازار که در آن تعدادی تولیدکننده، خریدار و فروشنده مستقل برای تولید، خرید و یا فروش کالا یا خدمت فعالیت می‌کنند، به طوری که هیچ یک از تولیدکنندگان، خریداران و فروشندگان قدرت تعیین قیمت را در بازار نداشته باشند یا برای ورود بنگاه‌ها به بازار یا خروج از آن محدودیتی وجود نداشته باشد.»

اصل رقابت در فضای حقوق بین‌الملل منتهی به شکل‌گیری حقوق بین‌الملل رقابتی شد. حقوق بین‌الملل رقابتی نیز به نوبه خود به دو بخش اصلی تقسیم شد: بخش اول: هنجارها و ساختارهای بین‌المللی برای کنترل و ایجاد همگرایی میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در ارتباط با وضعیت رقابت میان بازیگران تجاری؛ بخش دوم: هنجارها و ساختارهای حقوق داخلی در ارتباط با فعالیت شرکت‌های خارجی و بین‌المللی (گاسلر، ۲۰۲۱، ۳۷-۳۸). حقوق بین‌الملل رقابتی نه فقط به تعریف و تبیین محدودیت‌های رقابت پرداخت، بلکه به ارزیابی رویه‌های تجاری، آثار آنها، قیمت‌گذاری، حقوق مصرف‌کننده و موضوعات بسیار گسترده دیگر پرداخت. اما مسئله‌ای که در ارتباط با حقوق بین‌الملل رقابت باید مدنظر قرار داد این است که اسناد جهانی و هنجارهای جهانشمول در این زمینه بسیار معدود هستند (دمتس، ۲۰۱۸، ۱۱). دلیل این امر را باید در منطقه‌ای بودن وضعیت

در حقوق ایران، تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، مفهوم رقابت به صورت بسیار محدود و پراکنده در برخی قوانین به کار گرفته شده بود. با توجه به ایجاد جریان ملی کردن قبل از انقلاب و ادامه آن پس از انقلاب، بخش اصلی اقتصاد ایران در دست دولت قرار داشت و مفهوم اصل رقابت جایگاه قابل توجهی در مجموعه قوانین نداشت. این روند تا برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ادامه داشت. در این قانون و در فصل چهارم مقرر شده بود که انحصارات قانونی اعطا شده ظرف یکسال لغو و دولت اقدامات لازم را برای جلوگیری از فعالیت‌های انحصارگرایانه انجام دهد. اما تا پایان برنامه چهارم به علت مغایرت‌هایی که شورای نگهبان بر قوانین موضوعه برای انحصارزدایی اعلام کرده بود فضا برای ورود بخش خصوصی در بیشتر بخش‌های اقتصادی فراهم نگردید. این روند تا ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر کوچک شدن دولت و تقویت بخش خصوصی و خروج دولت از فعالیت‌های اقتصادی

تجارت و مناسبات خاص تجاری دولت‌ها جست‌و- جو کرد. درواقع، توسعه حقوق بین‌الملل رقابت به صورت جزیره‌ای و با ایجاد رویه‌های خاص شکل می‌گیرد و به مرور زمان، توسعه منطقه‌ای تبدیل به توسعه فرامنطقه‌ای و جهانی می‌شود (ایزارچی، ۲۰۱۲، ۵-۶).

#### ۵-۶. اصل تناسب

اصل تناسب در معنای عام عبارت است از توازن نسبی میان دو امر؛ این اصل در حوزه‌های مختلف عالم فقه و حقوق وارد شده است و به فراخور اوصاف خاص هر قلمرو، دارای چهره‌ای خاص می‌باشد. برای مثال، اصل تناسب در حقوق کیفری، در قامت اصل تناسب جرم و مجازات نمایان شده است؛ یا مثال دیگر در همین زمینه اصل تناسب شرایط و اوصاف حمله و دفاع است (هوسکورف و دیگران، ۲۰۱۴، ۱-۲). در فضای فقهی، اصل تناسب در فرآیند استنباط احکام و توسل به ارتکازات مورد توجه فقها و اصولیین قرار گرفته است. ارتکاز عبارت است از رسوخ مفهومی خاص در ذهن گروهی یا اکثر و یا همه مردم مانند ارتکاز محترم بودن قرآن و کعبه نزد مسلمانان و ارتکاز حرمت داشتن امامان معصوم علیهم السلام نزد شیعیان. کاربرد واژه ارتکاز به عنوان دلیل، نزد اصولیان معاصر رایج شده که در اصول فقه، بحث حجیت خبر واحد آن جا که از سیره به عنوان دلیل بر حجیت خبر واحد بحث می‌شود بدان اشاره کرده‌اند. برخی نیز برای ارتکاز متشرعه باب جداگانه‌ای گشوده و به اختصار از آن سخن گفته‌اند (حکیم، بی‌تا، ج ۱، ۱۹۴). ارتکاز و ضرورت رعایت تناسب در آن، در استنباط احکام و به طور خاص در مسائل مستحدثه بسیار کاربرد دارد؛ به همین جهت اصولیین و فقهای متأخر مانند مرحوم امام خمینی به آن توجه خاص دارند

(منتظرقائم، ۱۳۹۸، ۴۳۷) و از طرفی نیز اغلب موضوعات حقوق عمومی اقتصادی مانند حقوق مصرف‌کننده، حقوق رقابت و ... از جمله موضوعات مستحدثه محسوب می‌شوند. «در حقوق عمومی اقتصادی نیز اصل تناسب قابل استفاده است؛ چرا که موضوع حقوق عمومی اقتصادی تصمیمات و اقداماتی است که در چهارچوب هنجاری خاص جهت تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی قوای عمومی است؛ لذا ارتباط مستقیمی بین این اصل تناسب و کنترل اعمال عمومی اقتصادی برقرار است (مؤذنی، ۱۳۹۸، ۲۹۱). در تنظیم‌گری اقتصادی دولت باید حتما اصل تناسب را مد نظر قرار دهد؛ بدین معنی که اولاً، میان حق‌های خصوصی شهروندان و منفعت عمومی تناسب معقولی برقرار گردد و ثانياً، ابزار اتخاذی (مقررات وضع شده) متناسب با هدفی باشند که دولت از وضع آنها انتظار دارد.» (بیدار و عبدی‌پورفرد، ۱۴۰۰، ۶۰)

حقوق عمومی نیز مانند سایر شعبات دانش حقوق، ماهیتی تنظیمی داشته و در پی تمشیت رابطه‌هاست، لکن روابطی نابرابر که در یک سوی آن شهروند و در سوی دیگر آن دولت قرار داشته و حقوق عمومی در این میان، در پی تحدید خوی سلطه جو و تمامیت‌خواه قدرت سیاسی از طریق ابزارهایی نظیر تفکیک قوا، عدم تمرکز و ایجاد نهادهایی نظیر حزب، پارلمان و ... است تا با ایجاد تعارض نظام‌مند بین اجزای قدرت، به تعبیر منتسکیو؛ قدرت را با قدرت، متوقف کند؛ اما غایت و قطب‌نمای حرکت حقوق عمومی از یک سو تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندان و از سوی دیگر حمایت از منافع، یک وجود مستقل و کل به هم پیوسته به نام جامعه در قالب مفاهیمی چون خیر عمومی است؛ اما در پاره‌ای از

نمود. باتوجه به این‌که اصول حقوق عمومی اقتصادی این قابلیت را دارند که در چارچوب اصول و قواعد سنتی فقهی، مورد پذیرش قرار گیرند، در مواجهه با موضوعات و مسائل جدید می‌توان اصل را بر انطباق و همسویی با اصول و قواعد فقهی قرار داد مگر در مواردی که تعارض یا تزاخم احتمالی احراز گردد. اما در ارتباط با رویکرد حقوق ایران به اصول حقوق عمومی اقتصادی باید در نظر داشت که، رویکرد دولت محوری در نگاه حقوق ایران به اصول مزبور در چارچوب قانون اساسی مشهود می‌باشد؛ حال آن‌که رویکرد اسناد بین‌المللی کاملاً در جهت خصوصی‌سازی و جدا شدن از دولت محوری می‌باشد. علی‌رغم این‌که حقوق ایران از منظر قانونی به سوی کوچک نمودن دولت حرکت کرده است؛ اما در عمل، مداخله دولت در اقتصاد و اصول حقوق عمومی اقتصادی کمرنگ نشده است. این رویکرد دولت ایران عملاً در جهت خلاف رویکرد اسناد بین‌المللی می‌باشد. نتیجه امر این‌که، عدم همسویی میان سیاست‌های اجرایی اقتصادی نه به علت محدودیت‌های فقهی و موانع اصولی آن، بلکه به علت فقدان اراده سیاسی لازم برای ایجاد همسویی میان حقوق داخلی (چه از منظر هنجاری و چه از منظر ساختاری) و رویکرد نظام بین‌الملل اقتصادی می‌باشد.

#### ۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

موارد تزاخم حق فردی و خیر عمومی و برقراری تناسب بین این دو مهم، امری به غایت پیچیده و دشوار خواهد بود. به طور کلی دو برداشت از اصل تناسب در نظریه‌های حقوق عمومی وجود دارد، الگوی نخست بر(برتری حق ها) و الگوی دوم بر (مدیریت کار آمد، بهینه سازی و ارتقای ارزش های رقیب) تأکید کرد. (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵، ۷۳)

#### ۶. نتیجه

اصول حقوق عمومی اقتصادی به عنوان سنگ-بنای نظام اقتصادی بین‌المللی و داخلی محسوب می‌شوند. این اصول هم در چارچوب حقوق ایران و هم در فضای فقه امامیه و اسناد بین‌المللی قابل احراز و شناسایی هستند. مصادیق این اصول به صورت مشترک در هر سه فضا وجود دارند؛ اما تعریف و قلمرو آن‌ها با یکدیگر متفاوت می‌باشند. رویکرد فقه امامیه به اصول حقوق عمومی اقتصادی یک رویکرد سلبی یا به تعبیری، صرفاً تمرکز بر تعیین مرزها و محدودیت‌ها می‌باشد. در واقع اصول حقوق عمومی اقتصادی نه به شکل مدرن بلکه همسو با قواعد و اصول سنتی فقهی در فضای فقهی قابل بحث می‌باشند. به تعبیری، در فضای اصول و قواعد فقهی، مصادیق اصول حقوق عمومی اقتصادی صراحتاً وجود ندارند بلکه می‌توان آن‌ها را با اصول و قواعد سنتی مانند لاضرر و ممنوعیت اکل مال به باطل آشتی داد. باتوجه به اختصاصی بودن ابزارها و هنجارهای حقوق اقتصادی، بعید به نظر می‌رسد که بتوان یک باب مستقل در فقه جدید برای حقوق عمومی اقتصادی طراحی و ارائه نمود؛ بلکه باید در جهت احراز وجود یا عدم وجود تعارض و یا تزاخم‌های احتمالی میان هنجارها و ابزار حقوق عمومی اقتصادی با قواعد و اصول فقهی حرکت

## منابع

### منابع فارسی

- اخوان فرد، مسعود، بیرانوند، فرید، قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در حقوق بین‌الملل، حقوق قضایی، شماره هشتم، ۱۳۹۲.
- آگاه، وحید، حقوق بنیادین و اصول حقوق عمومی در رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- البرزی، زهرا، امامی، محمد، واعظی، سید مجتبی، محدودیت‌های کمی اصل آزادی تجارت در پرتو قوانین و آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، دانش حقوق اقتصادی، شماره بیست و دوم، ۱۴۰۱.
- بیدار، زهرا، عبدی‌پورفرد، ابراهیم، تأملی بر قلمرو و اهداف اصول حقوق عمومی اقتصادی در پرتو آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مجله حقوقی دادگستری، شماره یکصد و پانزدهم، ۱۴۰۰.
- بیرانوند، فرید، تقریرات درس حقوق رقابت، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ۱۳۹۹.
- بیرانوند، فرید، داستان‌پور حسین‌آبادی، الهه، اعلامیه جهانی حقوق بشر از منظر مکاتب کلاسیک حقوق بین‌المللی و اسلامی، پژوهش‌های فقهی حقوق بشر، دوره اول، شماره اول، ۱۴۰۳.
- بیرانوند، فرید، رویه محاکم ملی در مواجهه با حقوق نرم بین‌المللی با تأکید بر حقوق بشردوستانه، تهران، فرهنگ‌شناسی، ۱۴۰۲.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- رضایی، مهدی، مهدوی‌زاهد، مهدی، مرادی برلیان، مهدی، درآمدی بر مفهوم اصل تناسب در حقوق عمومی اقتصادی مورد واکاوی مفهوم تصاحب عمومی اموال خصوصی در رویه قضایی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره پنجاه و سوم، ۱۳۹۵.
- طالقانی، سید محمود، اسلام و مالکیت، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۴.
- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، نشر دادگستر، چاپ پنجاه و دوم، ۱۳۹۸.
- مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پایدار، ۱۳۹۷.
- منتظر قائم، مهدی، تناسب حکم و موضوع در نظرهای فقهی و اصولی امام خمینی، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره دوم، ۱۳۹۸.
- مؤذنی، روح‌الله، حقوق عمومی اقتصادی (مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه)، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۸.
- میرمعزی، سیدحسین، رقابت و تعاون در نگرش اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ‌اندیشه اسلامی، شماره بیست و نهم، ۱۳۸۷.
- ویژه، محمدرضا، مراجع صیانت از قانون اساسی و حمایت از مالکیت: نگرشی تطبیقی بر عملکرد مراجع صیانت از قانون اساسی ایران و فرانسه، مجله حقوق سیاست، شماره بیست و نهم، ۱۳۸۹.

- Demedts, Valerie, *The Future of International Competition Law Enforcement*, London, Brill, 2018.
- Ezrachi, Ariel, *Research Handbook on International Competition Law*, London, Edward Elgar, 2012.
- Ferro, Miguel Sousa, *Market Definition in EU Competition Law*, Hague, Edward Elgar, 2019.
- Forte, Francesco, *Principles of Public Economics: A Public Choice Approach*, London, Edward Elgar, 2010.
- Gassler, Martin, *Information Exchange Between Competitors in EU Competition Law*, Hague, Wolters Kluwer, 2021.
- Herdegen, Matthias, *Principles of International Economic Law*, Oxford, Oxford University Press, 2024.
- Herdegen, Matthias, *Principles of International Economic Law*, Oxford, Oxford University Press, 2013.
- Huscroft, Grant, Bradley W. Miller, Grégoire, Webber, *Proportionality and the Rule of Law: Rights, Justification, Reasoning*, Cambridge, Cambridge University Press, 2014.
- Wang, Anqi, *The Interpretation and Application of the Most-Favored-Nation Clause in investment arbitration*, Hague, Brill, 2022.

### منابع عربی

- ابن بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
- حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۴.
- حکیم، محمدتقی، *الأصول العامة للفقہ المقارن*، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع) للطباعة والنشر، بی‌تا.
- سبحانی، جعفر، *مفاهیم القرآن فی معالم الحکومة الاسلامیة*، قم، اسلامیة، ۱۳۶۴.
- سیستانی، سید علی حسینی، *قاعده لا ضرر و لا ضرار*، انتشارات دفتر آیت الله سیستانی چاپ: اول، قم، ۱۴۱۴ هـ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، منشورات اسماعیلیان، ۱۳۷۱.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹.
- عبدالباقی، محمد فواد، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، قم، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الاصول تقریرالابحاث* ناصر مکارم شیرازی / احمد قدسی، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۲.

### منابع لاتین

- Choukroune, Leila, Nedumpara, James J. *International Economic Law: Text, Cases and Materials*, Cambridge, Cambridge University Press, 2022.

